

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی درباره

برگزاری پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

درفروردین ماه سال ۱۳۶۵ پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با شرکت اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و کارکنان دموکراتیک و آزادیخواه و مبارزان سیاسی تشکیل گردید و در محیط همفکری و برابری خلق مسایل و وظایف سیاسی را که در دسترس داشت پیروزمندانه با انجام رساند. برگزاری موفقیت آمیز پلنوم وسیع کمیته مرکزی و تصمیمات آن شیرین و لذت بخش بود و همه پیروان را متین و سوسپالیسم علمی در پی کار علیه رژیم پلیدی خمینی و امپریالیسم جهانی بخوار خواهد بود. پلنوم با استماع گزارش هیات سیاسی که توسط رفیق فرخ نگهدار ایراد کرد دیدگاه خود را آغاز کرد. وظایف اصلی در دستور کار پلنوم عبارت بود از:

- الف - بررسی گزارش هیات سیاسی و تصویب قرار
 - ب - بررسی اسناد مربوط به نقد و ارزیابی سیاست و خط مشی سازمان در فاصله سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴
 - پلنوم اسناد را به شده در زمینه بررسی سیاست و خط مشی سازمان در فاصله سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴ را
- ۱ - گزارش مختصر درباره اوضاع جهان و منطقه
 - ۲ - گزارش وضع کشور
 - ۳ - گزارش فعالیت سیاسی و تشکیلاتی سازمان در فاصله دوپلنوم
 - ۴ - گزارش درباره امکان برگزاری نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
 - ۵ - گزارش کار کمیسیون های برنامهنویس و اسناد پلنوم در این بخش از دستور کار خود
- وظایف سازمان در پیشبرد مبارزه انقلابی علیه ارتجاع و امپریالیسم و در راه تحقق آماج های راهی بخش طبقه کارگر ایران را در دقت بخشید و برای پیروزیهای تازه آغاز گشت.

ب: بررسی اسناد مربوط به نقد و ارزیابی سیاست و خط مشی سازمان در فاصله سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴

بحران اقتصادی و فقر و فلاکت زحمتکشان

ورشکستگی و بحران اقتصادی جمهوری اسلامی هر روز شدید و شدیدتر می شود. این بحران که ریشه اش نظام سرمایه داری و وابستگی اقتصاد کشور است، برای سرمایه ستی ضد خلقی رژیم خمینی و خصوصاً ادامه جنگ ویرانگر چنان اوج گرفته است که امروزه صنایع کشور در معرض ورشکستگی و تعطیلی قرار گرفته، میلیونها کارگر و کارمند دیگر در معرض اخراج قرار دارند و میلیونها موهبت ما به تن شب محتاج شده اند.

بهباد اندوبی و زیر صنایع سنگین رژیم در سخنان خود افشاگرانه اش چندی پیش به درامندگی و عجز رژیم در مقابل با بحران اعتراف کرده و گفت: «این بحران است که مدت ۳ سال با آن مبارزه کردیم. اما دیگر تثبیت شده در سطح جامعه می باشد و در زمان هم نمی رسد که اوضاع و احوال و شرایط موجود را تغییر دهیم.» (کعبان ۷ - بهمن ۶۴).

فلاکت مالی رژیم از حلقه های بسیار مهم این بحران است. خزانه دولت خالی است و رژیم برای اجرای برنامه های پیش فادریه تا مین بودجه و منابع ارزی لازم نیست. طی سال گذشته جمهوری اسلامی تنها به ۷۵٪ از درآمد های پیش بینی شده در بودجه دست یافت. درآمدهای نفتی نیز که بین ۹۰ تا ۹۵ درصد از دولت را تشکیل می دهد به سرعت کاهش می یابد. بنا به گزارش سالانه بانک مرکزی و اعتراف و زیر برنامه و بودجه مقدار واقعی درآمد دولت از فروش نفت طی سالهای ۶۴ تا ۶۳ به ترتیب ۹/۴، ۳۰/۲ و ۴۶ درصد بودجه مأمور گسترش یافته است. امسال چشم انداز این هم تیره تر است. کاهش

مورد بررسی قرار داد و پس از اصلاحات لازم به تصویب رسد. پلنوم با تصویب یک رشته تها های مهم در زمینه تحلیل اوضاع کشور و ارزیابی از سیاست و خط مشی سازمان در هر مقطع، درباره یکی از مهمترین دوره های فعالیت و حیات انقلابی سازمان (سالهای ۵۷ تا ۶۱) قضاوت نمود و قرار داشت که آنها را مورد بررسی قرار دهد. پلنوم در این قضاوت خلقت خود، فدائیان خلق را به تسخیر آینده، به تجهیز هر چه بیشتر خود و به مبارزه با رژیم - لنیسیسم و جستجوی راه های موثر تر در تحکیم پیوند سازمان با طبقه کارگر و زحمتکشان ایران فرا خواند.

پلنوم کمیته مرکزی سازمان سپس را مخاطب و وحدت داد. پلنوم برای مبارزه در راه وحدت جنبش کمونیستی و کارگری ایران، بویژه در وضعیت فعلی جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران اهمیت فوق العاده قابل شایسته و مدور قطعا می آید که مسخ وظایف سازمان در این عرصه را تصریح کرد.

نظر به اهمیت تصریح مواضع سازمان در زمینه تحلیل مرحله انقلاب ایران و استراتژی و تاکتیک ما در این مرحله از مبارزه، پلنوم وسیع در این مورد بطور جدا گانه قطعنامه ای صادر کرد. پلنوم در این بخش، وظایف سازمان در مبارزه با خطر ملحد و دموکراسی و برای سوسپالیسم را در دقت و بخشید و با وضوح تازه وظایف سازمان را در راه تامین اتحاد همه نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی را برای سرنگونی رژیم تعیین کرد. در طول جلسات پلنوم هر یک از اعضای کمیته مرکزی و مدعوین وقت معینی برای سخنرانی داشتند و از این طریق در زمینه های مختلف پلنوم وسیع را در جهت انجام وظایف خود هیاری دادند. پلنوم در فضای آیدئولوژیک و سیاسی بسیار فعال و مشارکت

بی سابقه قیمت های نفت، از یک سو و ادامه جنگ و حملات رژیم صدام به هرمینال نفتی خلیج فارس - بزرگترین ترینال نفتی ایران - که رژیم خمینی را در صورت نفت با ناتوانی های جدی مواجه کرده است، بحران ارزی رژیم را وارد مرحله کیفی تازه ای ساخته است. رژیم خمینی برای راهیستی از این مهلکه به حراج بی سابقه نفت دست زده است. ماه گذشته جمهوری اسلامی با دست کشیدن از سیاست بقیه در صفحه ۵

به یان فدایی قهرمان قربانعلی مؤذنی پور

با فرارسیدن خرداد ماه ۲۰ سال از شهادت قهرمانانه رفیق قربانعلی مؤذنی پور، عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران میگذرد. با شهادت او، سازمان ما یک انقلابی پر شور و بیگ انسان بزرگ را از دست داد. رفیق مؤذنی پور سمبل برجسته ای از یک فدایی خلق بود، از لحظه ای که خود را شناخت، تا مسی وجودش را در خدمت جنبش انقلابی گذاشت، هنوز خیلی جوان بود که به مقوف سازمان پیوست. طبعی ضربه های وارده به سازمان در سال ۵۴ دستگیر شد و با استواری به مصاف دشمن رفت. شکنجه تاسخند مرگ، یک سال زندگی در سلول انفرادی و محکومیت به زندان ابد را سرفرازانه تحمل کرد و دشمن را با مقاومت دلیرانه، دفاع از آرمانهای پیش در پیدا نگاه نظامی و زندگانی رزم جویانه در زندان شاه خوار کرد. اراده استواری را که در جبهه انسان این سالهای پر پربار و دشوار زندگیش آبدیده کرد، تکه تکه گاه مظمئن فعالیت های پیش در پس از انقلاب بقیه در صفحه ۲

موشرهمه شرکت کنندگان برگزار گردید. در پایان پلنوم، انتخابات برای برگزینی اعضا و مشاورین تازه کمیته مرکزی و به دنبال آن انتخابات برای گزینش اعضای هیات سیاسی و هیات دبیران و دبیران اول کمیته مرکزی و مسئول کمیسیون کنترل مرکزی صورت گرفت. پلنوم مجدداً رفیق فرخ نگهدار را به عنوان دبیران اول کمیته مرکزی برگزید.

پلنوم وسیع فروردین ماه ۶۵ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در شرایطی برگزار شد که رژیم ترور و اختناق خمینی بیگانه می کند. برگزاری این پلنوم وسیع مشت محکمی بود بر دهنه یا و هگوییان رژیم که مدعی غلبه بر جنبش کمونیستی و کارگری میهن ما هستند. پلنوم پیوند میان دستگا رهبری و تشکیلات را مستحکم تر کرد. پلنوم نیروی فدائیان خلق را در مبارزه علیه رژیم خمینی تقویت کرد. پلنوم بی گمان به نقطه عطف در حیات انقلابی سازمان ما است. امروز فدائیان خلق ایران در هر کجا که باشند نیرومند تر از پیش و با ایمانی والا تر نسبت به سازمان را اهداف و آرمان های انقلابی خویش، با همه هستی خود در راه تحقق تصمیمات و آماج های بی که پلنوم فرا روی سازمان قرار داده است، تابه آخر خواهد رزمید.

با ایمان به پیروزی راهمان
دبیرخانه
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
اردیبهشت ماه ۱۳۶۵

اسناد مصوب پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در شماره آیدند که در به چاپ می رسد.

تلاشهای رژیم خمینی و محافل امپریالیستی و راستگرایی فزاینده علیه مهاجران و مبارزان می کلیم

اخیراً (۲۱ اردیبهشت ماه) سازمان مجاهدین خلق ایران طی اطلاعیه ای که در نشریه مجاهد انتشار یافت، اعلام کرده است که این نشریه تا اطلاع ثانوی منتشر نمی شود. اطلاعیه دلایل این کار را "تشنه های دشمن ضد بشری و دیگر محافل ارتجاعی و امپریالیستی و تحریکات تروریستی دوما گذشته" پیرامون مساله اقامت دستگا رهبری سازمان مجاهدین در حومه پاریس اعلام کرده است. سایر رویدادها نیز نشان می دهد که امکان حفظ سطح کنونی فعالیت دستگا رهبری سازمان مجاهدین در پاریس با دشواری های جدی روبرو شده و بقیه در صفحه ۲

در این شماره

- همه چیز برای انسان زحمتکش - در صفحه ۶
- به مناسبت برگزاری نکره ۲۷ ح.ا.ش - در صفحه ۶
- برگزاری سیزدهمین کنگره حزب کمونیست بلژیک - در صفحه ۶
- آردگاه شکنجه برای زنان آزاده - در صفحه ۸
- امپریالیسم آمریکا، جنگ افروزی و تجاوز - در صفحه ۳
- یازدهم فاجعه های جنگ - در صفحه ۲
- انتخابات فرمایشی "شورا" و وظایف کارگران - در صفحه ۸
- آفریقای جنوبی: ماجراجوییهای نومیادانه - در صفحه ۸

بسیج کارگران برای صلح و آزادی علیه رژیم

جنبش دهقانی و وظایف ما

زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

بازهم فاجعه‌های جنگ

درجبهه‌های جنگ نبردهای سنگین و فاجعه آمیز به قیمت کشتار هزاران تن از مردم دوشواریا و عراق ادامه دارد. ارتش صدام با دربرگرفتن نقاطی از جبهه دست به پیشروی زده و اخیراً شهر میهران را اشغال کرده است. حمله هوایی جنا پیکارانه عراق به یک قطار مسافربری موجب کشتار گروهی از مردم بی گناه میهن ما گردید. پالایشگاه تهران بمباران شد و خطر گسترش حملات هوایی عراق به شهرها بالا گرفت. جمهوری اسلامی که در فاجعه‌ها متلاطم و تحریکات دیوانه‌وار برای بسیج نیرو و تدارک حمله مجدد بگرمی گیرد.

ادامه جنگ ارتجاعی، مورد بهره‌برداری همه جانبه امپریالیسم و ارتجاع منطقه است. امپریالیسم آمریکا با استفاده از ما جرایم جوییهایی از جمله رژیم خمینی، به گسترش حضور نظامی و تشدید تلاشهای مداخله جویانه خود در منطقه مشغول است. دولت آمریکا فریبکارانه اعلام کرده است که اجازه نخواهد داد «گسترش آزادی» در خلیج فارس به خطر نیفتد. ناوهای آمریکایی و فرانسوی و فرانسویان به این بهانه در نزدیکی مرزهای آبی جنوب کشور ما مستقر شده‌اند. بر این نخستین بار در ناوهای آمریکایی و فرانسوی راه را بر ناوهای جنگی خمینی بستند و مانع بازرسی یک کشتی فرانسوی توسط نیروهای جمهوری اسلامی شدند. دولت ریگان با استفاده از تشنجیات اخیر تلاشهای دا منهداری را در جهت لغو تصمیم کنگره آمریکا مبنی بر عدم فروش سلاح به عربستان سعودی براه انداخته است. و قصد دارد با توسل به خطر گسترش جنگ «میلیونها دلار سلاح در اختیار عربستان سعودی قرار دهد»

حضور گسترده و مداخله جویانه آمریکا در خلیج فارس نگرانی خلقهای منطقه و نیروهای صلح دوست سر راهی جهان را برانگیخته است. اما رژیم خمینی هر تلاش صلح جویانه‌ای را بدون نتیجه می‌گذارد. روزنامه حکومتی رساله‌ای در مقاله‌ای تحت عنوان «صلح طلبان و نغمه‌های شوم صلح» افشاش کرده که تنها از آغاز سال

۶۴ تا تیرماه سال گذشته، یعنی کمتر از ۱۵ سال فریب ۱۰۰۰ تلاش بین المللی برای خاتمه جنگ صورت گرفته است (رسالت اول بهمن ۶۴). اما رژیم همه این تلاشها را رد کرده است و همچنان بر طبل جنگ می‌کوبد.

همزمان با آغاز سال نو، فوجهای جنگ طلبانه رژیم بازم تشدید شد. همه مسئولان حکومتی برادامه جنگ و خونریزی در سال جدید تاکید کردند. خمینی سرمدار جنا پیکار را با ردیگر فتوا داد که: «هر کسی می‌تواند جبهه با بدبود و هر کس نمی‌تواند در پشت جبهه کمک کند». نخست وزیر رژیم اعلام کرد: «جنگ برای دولت در اولویت کامل قرار دارد و دولت همه امکانات خود را برای پیشبرد اهداف نظامی جنگ بسیج کرده است». رژیم خمینی برای جلوگیری از انفجار رخم مردم و ترغیب آنان به ادامه جنگ هر روز و هر ساعت وعده پیروزی می‌دهد. همه مسئولان حکومتی در پیامهای خود در آغاز سال نو سال ۶۵ را «سال پیروزی» اعلام کردند. مردم می‌پرسند: کدام پیروزی؟ ۵/۵ سال است که سران جنا پیکار در جمهوری اسلامی به مردم وعده پیروزی در آینه‌ها زده‌اند. نزدیک را می‌دهند. اما این «آینه زودیک» هرگز فراسیده نخواهد رسید. رژیم بحران زده خمینی قادر به پیروزی نظامی در جنگ نیست. توده‌های مردم نیز در پیروزی رژیم و اهداف توسعه طلبانه آن هیچ تفسیری ندارند. آنچه که رژیم «سال پیروزی» اعلام کرده، نتیجه‌اش تنها خونریزی و کشتار و فوریاتی و فقر و گرسنگی بیشتر برای مردم است.

توان رژیم برای ادامه جنگ هر روز کاهش می‌یابد حکومتگران در بسیج نیروها دشواریهای بزرگی روبرو هستند. رژیم برای حفظ روحیه سربازان خسته از جنگ و جلوگیری از گسترش اعتراضات، به روشهای گوناگون می‌کوشد تا آنها را سرگرم کند. دسته دسته زنانی را که شوهرانشان کشته شده‌اند، ندبیه جبهه‌ها می‌فرستند. درجبهه‌ها کاغذهای چاپی «دعوت به موقت» را به فروش می‌رسانند. به جنگ زندگان و موتورسیکلت جایزه می‌دهند. ... این اعترافات تنبوی نشان دهنده روشهای است که سران جمهوری اسلامی برای بالانگه داشتن روحیه «زمنندگان اسلام» بکار می‌گیرند. «یک تا سه سلبت لایمی آید که ۲۰۰ تا ۳۰۰ دستگاه از همیه

علی الحساب سال ۶۴ کارمندی پیکان نیروهای مسلح که در جبهه‌ها هستند (بفرستند) روحیه‌شان را تضعیف می‌شود، اگر آنها را تحویل ندهیم» (کمیته ۶ بهمن ۶۴)

در کنار توسل رژیم به شیوه‌های کثیف تطمیع برای برگردن جبهه‌ها، دستگاه سرکوب رژیم به شدت فعال است. مردمی را در جبهه‌ها تیرباران می‌کنند و به قتل می‌رسانند. ما موران مسلح رژیم در شهرها و روستاهای کشور، دسته دسته جوانان را شکار می‌کنند و به جبهه‌ها می‌فرستند. انواع فشارها از لفسو همیه کوبن تا محرومیت‌های گوناگون اجتماعی را برای کشتن بدن مردم به جبهه‌ها بکار می‌گیرند و از طریق سرکوب و زندان و کشتار می‌کوشند تا معترضین اعتراضات مردم علیه جنگ شوند. خمینی جلاد در یکی از آخرین دستوراتش گفت: «کسی که اشکال به جنگ دارد، او جبار است برش که برود جنگ»

علیرغم تلاشهای رژیم موج مخالفت با جنگ مردم بیشتر گسترش می‌یابد. اعتراض به جنگ و کشتار چنان ابعاد یافته است که دیگر حکومتگران قادر به برده پوشی آن نیستند. خمینی در سخنرانی خود در فروردین به این اعتراضات روبرو گسترش اعتراف کرده و بسا خسوف و نفرت به مخالفین جنگ حمله نمود. او در پیام به کسانی که مخالفت مردم با جنگ را منعکس می‌کنند، فریاد کشید که: «این بین مردم از کجا آمدند که با جنگ مخالفت کنند؟»

شاه نیز زمانی که می‌خواست مبارزات مردم را انکار کند، می‌گفت: «اینها ملت ایران نیستند، مثنی خود فریاد خسته‌اند که از تومر زاده‌اند. ملت ایران همه آنها می‌هستند که به نفع قانون اساسی تلاش می‌کنند» تاریخ گاهی به شکل عجیبی تکرار می‌شود. خلیفه‌جه را نیز امروز مثل سلطان نیابوران نمی‌دانند که این مردم از کجا آمده‌اند. سلطان نیابوران وقتی دید که همین مردم روزی شما را در آستانه نابودی قرار داده‌اند، فریبکارانه حرف خود را پس گرفت و خطاب به مردم اعلام کرد: «صدای انقلاب شما را شنیدم». اما مردم مدتها بود که دیگری را شناسانده‌اند. او را بشنوند، بدون شک خمینی نیز مثل شاه مجبور خواهد شد صدای انقلاب مردم را بشنود و طعم گسستن و درهم شکستن رژیمش را که جز خونریزی و ویرانی ارضانی نداشت، بچشد.

تلاشهای رژیم خمینی ... بقیه از صفحه اول

است. در پیدایش این دشواریها عوامل متعددی دخالت داشته‌اند. مقدم بر همه تلاشها و باج دهی های سران جمهوری اسلامی، که حاضرند منافع ملی ایران را قربانی پیشرفت نقشه‌های جنا پیکارانه خود علیه نیروهای مترقی ایران سازند، علت تشدید فشار بر مجاهدین خلق است. رژیم ترور و سرکوب خمینی که از هیچ توطئه‌ای علیه نیروهای ترقی خواه ایران فریاد نمی‌کند، با خیابان تلاشهای خود برای «کنار آمدن» با محافل ارتجاعی و راست است. فرانسه از طریق دادن باجهای کلان و سرپیچان دادن میلیاردها شورت ملی ایران افزوده است. رژیم خمینی قبل از تحولات اخیر دولت فرانسه نیز به این تلاشها دست زد. و سه شرط را هم برای بهبود رابطه خود با فرانسه مشخص کرده عبارتند از: ۱- حل مساله یک میلیارد دلار وام ایران به فرانسه، ۲- قطع حمایت و فروش سلاح به صدام و اخراج نیروهای مخالف رژیم از فرانسه. ۳- چندی قبل که مقامات فرانسوی به فکر ترمیم رابطه فرانسه و جمهوری اسلامی افتادند و یکی از بیلند با بیان دولت میتران را راهی تهران کردند، سران رژیم خمینی همین سه شرط را پیش پای آنها گذاشتند. اخیراً که کا بینه دست راستی ژاک شیراک روی کار آمدند و مواضع نیروهای تزار دست و تنوفا شیت در پارلمان و کشور تقویت شد، تمایل دولت فرانسه به ترمیم رابطه با تهران نیز تقویت شده و رژیم خمینی هم امکانات تازه‌ای برای حل «مسائل» خود با دولت فرانسه به دست آورده است.

مخالف امپریالیستی و دست راستی فرانسه هم به علت آمیدی که به معانله با خمینی و به دست آوردن جای پای محکمتری در ایران و منطقه داشته و در نهمه علت خصومت پایدان تا پذیرش این دیموکراتیک و ملی ایران مدتها بود که تمایز بین و اما دگی زیاده‌ای برای حل «اختلافات» با رژیم خمینی از خود نشان می‌دادند، روی کار آمدن کا بینه ژاک شیراک برآما دگی این محافل و کابینه آنان خواهد افزود.

البته محافل وابسته به اختراکگران فرانسوی فقط برای حل «پارهای اختلافات» با رژیم خمینی از خود آمادگی نشان داده‌اند نه برای حل «تمام اختلافات» بدین معنا که فرانسه آمادگی بدهد که نیروهای مترقی مخالف رژیم خمینی را تحت فشار قرار دهد و در مقابل جمهوری اسلامی نیز آمادگی پیدا کند که مساله یک میلیارد دلار «مناسبات اقتصادی» با فرانسه را «به نحو مطلوب» حل کند و مناسبات دگوشور بهبود یابد. امپریالیسم

به یاد فدائیان قهرمان ... بقیه از صفحه اول

قرارداد در ساختن رهبری تشکیلات سازمان در مقاط مختلف کشورتشی بر جسته داشت و با پشتکار که از ویژگی‌های قابل تاکید شخصیتش بود. مشکلات و پیچیدگی‌های سازمان را بر داشت. در شرایط دشوار پس از یورش بر برمنشان سران جمهوری اسلامی به کمونیست‌های ایران، از زمره کسانی بود که مسئولیت‌های بیشتری را در هدايت تشکیلات سازمان بر عهده داشت. رفیق مؤذنی پور سرانجام پس از یک سال پیگرد، بدست جلادان خمینی افتاد و ددمشانه شهید شد و جان پاک بر سر پیمان نهاد.

رفیق مؤذنی پور انسانی بزرگ بود، آرامش و فروتنی، صمیمیت و مهربانی، صبوری و صداقتی که در جودش داشت همه انگاسی از روح یک انسان والابود. همیشه این قدرت را داشت که با کسانی که نظراتی شیراز او داشتند، روابطی صمیمانه داشته باشد چرا که ارزش آدم‌ها را می‌شناخت و برای پیروزی هر آنچه که انسانی است، بی‌کمترین تا ملی از خود می‌گذشت. نیروهای تحت مسئولیتش راهادایت می‌کرد که وسیع ترین ارتباط را با توده‌ها برقرار کند و زندگی خود را در ارتباط با مردم برای آنها آموزش عملی بود.

تحمل شهادت همزمان و بر گردن جای خالی آنها، همیشه دشواری است، ولی، مبارزان انقلابی می‌توانند سرمشق یا ران شهید را الهام بخش کار انقلابی خود قرار دهند و بدینگونه آنان را در رزم جانانه خویش و در برطن سازمان پیکار خود همسوار زنده نگه‌دارند.

در برابر خرافه تا بناتک و جاودان رفیق شهیدمان، سر تعظیم فرود می‌آوریم و پیمان خود را برای پیروزی آرمانی که او زندگیش را بر سر آن گذاشت، تجدید می‌کنیم.

در جهت دیگری منحرف گردد. سازمان ما ضمن محکوم کردن اقدامات رژیم خمینی و محافل امپریالیستی و راستکاری فرانسه علیه مجاهدین، فشارهای اخیر بر این سازمان را اساساً فشارهای امپریالیستی و ارتجاعی می‌داند که سمت آنها جلوگیری از فعالیت نیروهای مبارز و ترقیخواه ایران است. اما از کوششهای مجاهدین برای مقابله با این فشارها و توطئه‌ها تا مین شرایط مناسب برای فعالیت خود قاطعانه حمایت می‌کنیم.

امپریالیسم آمریکا، جنگ افروزی و تجاوز

سیاست های جنگ افروزان و بی نهایت ارتجاعی امپریالیسم آمریکا در عرصه های گوناگون بین المللی و در داخل آمریکا هردم موزونی می گیرد و موضوع مخاطره آمیز و انجاری در صحنه بین المللی بوجود می آورد. این سیاستها را می توان آشکارا در گسترش بی سابقه سلاح های هسته ای، تجاوزات شکار بیگانه کشورهای مترقی و انقلابی، ایجاد مناطق تشنگی، کمک و تربیت دستجات فدائ انقلابی، توسل به تروریسم دولتی و همچنین ایجاد آلترونا تپوهای بورژوا - رفرمیستی در مقابل آلترونا تپوهای انقلابی - دیربرخی از کشورهای دست نشانده مشاهده کرد.

امپریالیسم آمریکا بمانند دژا رتجساع بین المللی به بزرگترین جناح پارتی در حق بشریت دست زده و بدترین سابقه تسلیحاتی را با هدف کسب برتری تحمیل می کند. دولت ریگان برای وارد آوردن "فره اول"، به اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی به اقدامات دیوانه وار متوسل می شود. به مسدود کردن استقرار موشکهای میان برد آمریکا در تعدادی از کشورهای اروپای غربی برنا مه "جنگ ستارگان" در دستور قرار گرفته است. در سال گذشته سلاحهای ضدمحارهای بیستون بخش از برنا مه "فره اول" در آمریکا مورد آزمایش قرار گرفت. دولت ریگان استقرار سیستم ضدمحارهای راتاسال ۱۹۸۷ در برنا مه خود قرار داده است. به علاوه واشنگتن مدارهای سلاحهای غیر هسته ای را برای برپا کردن جنگ های مدار گذرانه در مناطق مختلف (نظیر گرانادا، نیکاراگوئه، السالوادور...) انباشت می کند. با گسترش سابقه تسلیحاتی، اقدامات آمریکا هر چه بیشتر به سوی نظامی شدن سوق پیدا می کند. این امر به تعمیق بحرانهای ادواری آمریکا کمک می کند و موجب کاهش مداوم بودجه برنا مه های اجتماعی، کاهش قید خرد مردم و افزایش بیکاری می گردد. به گفته گس هال دبیر کل حزب کمونیست آمریکا، هم اکنون در آمریکا ۲۵ میلیون نفر بیکار و ۵ میلیون فاندسمن هستند. دولت ریگان سال به سال بر بودجه نظامی کشور می افزاید. "بودجه دفاع ملی" ۸۴٪ از ۲۰۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۳ - ۸۴ (۱۹۷۷ - ۸۳) ۲۵۱ میلیارد دلار (بیش از ۲۰۰ میلیون دلار) در سال ۱۹۸۸ - ۸۹ یعنی به دو برابر رسیده و افزایش خواهد یافت.

اختصاص بودجه های کلان برای هزینه های نظامی و گسترش بی سابقه تسلیحاتی توسط دولت ریگان، برای مجتمع های صنعتی - نظامی بوده ای کلان فراهم می آورد. هم اکنون انحصارات تولید کننده اسلحه، زئرانهای نظامی، ما موربیسی - دولت و ارگانهای ایدئولوژیک در مجتمع های صنعتی - نظامی در هم آمیخته اند و به جدی ترین مجریان و سازمان دهندگان ما ستوهای ما چرا جویا نشسته و تجاوزگران تبدیل شده اند. اتحاد دوشوما حیوان کارخانجات مرگ و ارگانهای نظامی و ادواری دولت آمریکا، تکلیف گاه افراطی ترین نیروهای ارتجاعی و منبج دائمی و فزاینده خطر جنگ است.

دولت ریگان به عنوان نماینده ارتجاعی ترین جناح امپریالیسم آمریکا، همچنان در مقابل تسلیحاتی مشابه اتحاد شوروی و پیشینه های مسلح سازنده آن ایستادگی کرده و بر بی طرفی جنگ می گوید. با وجود ملاقات سران دو کشور در ژنو در سال گذشته دولت ریگان هیچ گام جدی برای مهار سابقه تسلیحاتی بر برداشته است. هم اکنون برنا مه "جنگ ستارگان" و سایر برنا مه های ریگان با وسعت هر چه بیشتر پیش می رود.

امپریالیسم آمریکا با ادعای تسلط بر جهان خود سرانه تمام قاره را با منبج "مناطق حاشی" خویش اعلام داشته و به سیاست تجاوزگران و مداخله جویانه علیه خلق های تحت ستمی پرداخته. دولت ریگان از یک سو حکومت های مستبد و ضد مردمی و نظیر حکومت السالوادور شیدا حمایت بعمل می آورد و از سوی دیگر تلاش می کند حکومتها یا انقلابی را از میان بردارد. در این زمینه می توان از نمونه نیکاراگوئه و کوبا در آمریکا و لاتین و دولت افغانستان را در آسیا نام برد. ریگان با تسلیح کلانی در اختیار برندهای فدائ انقلابی نیکاراگوئه برای خرابکاری در داخل این کشور قرار می دهد. سازمان "سیا" برای پیشبرد موزونی بین سیاست اشتقاقی و دستجات خرابکار را سر هم بندی کرده و گروه از آنها را در "اتحاد بوزسیون نیکاراگوئه" گرد آورده است. در کاستاریکا و هندوراس هزاران نفر از ماشا و ران نظامی آمریکا فدائ انقلابیون را آموزش می دهند. بر طبق دستور کاخ سفید در هندوراس ۲۷ بیگانه نظامی آمریکا شخته شده است. به علاوه دولت ریگان به طور رسمی مناسبات اقتصادی با دولت

انقلابی نیکاراگوئه را تحریم کرده و به متحدین خود در اروپا فشار می آورد که از این سیاست پیروی نمانند.

واشنگتن در افغانستان نیز بیشتر از ۶۰۰ میلیون دلار در اختیار برندهای خرابکار جهت گسترش مردم بی گناه گذاشته است. پاکستان که در خاک آن متجاوزان ۱۲۵ میلیارد فدائ انقلابیون افغانی وجود دارند به سر بل تجاوز علیه جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان تبدیل شده است. از خاک پاکستان یورش می آورند و به گشتا و رخا بکاری می پردازند. در جنوب آفریقا نیز دولت ریگان به کمک رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی از سازمان فدائ انقلابی "اوشیتا" که به خرابکاری علیه دولت مترقی آنگولا عمل می کند، پشتیبانی کرده و به کمکهای مالی فراوانی می رساند. سرکرده این دسته خرابکار (راومبسی) در اوآخرا تپویه برای دریافت میلیونها دلار کمک جدید و واشنگتن مسافرت کرد. دولت آمریکا همچنان از دستجات ضد موزا میبیک - مقاومت ملی موزا میبیک (که همانند سازمان اویشیتا در خاک کشور خود بدزمرگ می افشاند، حمایت بعمل می آورد.

ریگان که خود سرکرده تروریست های بین المللی است، به بهانه مبارزه با تروریسم بین المللی به اقدامات تلافی جویانه علیه دولت های مترقی متوسل می شود. آمریکا کارزار گسترده را علیه دولت لیبی راه انداخته است. بمباران پایتخت لیبی و کشتار مردمی گناه آن، نمونه ای از اقدامات تبهکارانه دولت ریگان علیه مردم این کشور است. آمریکا هم اکنون در مدد پیشبرد همین سیاست در مورد دولت سوریه است.

دولت آمریکا با اتخاذ این سیاستها، بر کانونهای تشنج در مناطق مختلف می افزاید و بر سر تشکل گیری این کانونها در صدد آن است که حضور خود را در این مناطق گسترش دهد و بر نفوذ خود بیافزاید. علیرغم حمایت امپریالیسم آمریکا از دولت های دست نشانده و مستبد، روند موزاکراتیزه شدن در آمریکا و لاتین در تعدادی از دیگر کشورها پیش می رود. توده های مردم در مقابل دیکتاتوری های نظامی ایستاده و خواهان بهبود وضع زندگی مادی و استقرار دموکراسی در کشور هستند. خونهای نظامی بر اثر فشار مردم و جنبش های ضد دیکتاتوری و بحرانهای اقتصادی قادر به ادامه حکومت مستبدانه خود نیستند. در آژانتین، اوگوئه و برزیل، نظامیان مجبور شده اند حکومت را بدست غیر نظامیان بسپارند. در این کشورها دموکراسی پارلمانی جایگزین حکومت های نظامی شد. در سوآن و فیلیپین نیز بر اثر جنبش گسترده توده ای، دیکتاتورها کنار رفتند.

امپریالیسم آمریکا که در مقابل موج روبه گسترش جنبش توده ای قادر نیست، دیکتاتور های دست نشانده خود را حفظ کند، می کوشد که از ادیکتاتور لیزه شدن جنبش های ضد دیکتاتوری و شکل گیری آلترونا تپوهای انقلابی جلوگیری بعمل آورد و از اینرو به پیدایش و تقویت آلترونا تپوهای بورژوا - رفرمیستی یاری می رساند. نمونه ای از این سیاست می توان در فیلیپین مشاهده کرد. در برخی موارد دولت ریگان به طور برنا مه ریزی شده در این کشورها (مثل کره جنوبی) آلترونا تپوهای مخفی را تشکیل می دهد تا در موقع آنها را به صحنه سیاسی سوق دهد. سیاست آمریکا در این کشورها بر این پایه متکی است که همچنان می کوشد امرهای مهم کابینت مثل رتش و ارگانهای امنیتی را در دست خود حفظ کند. انحصارات را از زئرش توده ها مومن نگه دارد و مناسبات اساسا رتجا را با این کشورها ادامه دهد. مقابل به سیاستهای خود افروزان و تجاوزگران امپریالیسم آمریکا، اتحاد و وحدت عمل هر چه گسترده تر نیروهای ملج، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم را می طلبد. جامعه سوسیالیستی و در رأس آن اتحاد شوروی، دولت های مترقی و نیروهای انقلابی و ملج دوست با تمام قوا می کوشد که جنگ - افروزی امپریالیسم جهانی را زایل کند، تضمین های لازم برای استقرار ملج جهانی را بوجود آورد و امکان ات جدیدی برای گسترش مبارزات خلق های تحت ستم فراهم سازد. مبارزه در راه این ما چرا و ظیفه اساسی و تاخیرنا پذیره نیروی ترقی خواه و انقلابی در هر گوشه جهان است.

خسرو روزبه، پرچمدار مقاومت و ایثار

۲۱ اردیبهشت روز شهادت خسرو روزبه، قهرمان کمونیست و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران است. زندگی خسرو روزبه حما سه ای شورا نگیز و الهامی - دهنده است. او کمونیست و انترنا سیونالیست است. ثابته قدم، میهن پرستی پر شور و روزمنده ای ایثارگر بود که تا پای جان بر سر پیمان خود با حزب خویش و با مردم خویش ایستاد.

رفیق خسرو روزبه از سال ۱۳۲۲ به عضویت حزب توده ایران درآمد. او از زمره نخستین افسرانسی بود که به حزب توده ایران پیوست. او در دفاعات خود می گوید: "اگر عاشق و شقیفته سوسیالیسم هستم، با تمام عقل و شعور و منطق و ادبیت خود بر تری اصول آنرا بر سر بر رژیمها احسان کرده ام..."

بعد از کودتای شنگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روزبه در شرا یطی بسیار سخت نبرد خود را در سنگر حزب توده ایران ادامه داد. روزبه معتقد بود که با نشان دادن نمونه های عالی جانبازی می توان و با یسد به شکست روحی چیره شد.

در شرا یطی نشا و راههای پس از کودتا روزبه قهرمان لحظه ای از اندیشه دفاع مسلحانه در برابر برداشتن غافل نبود. همیشه سلاح آماده شلیکی در جیب داشت. مرد روزی را سخت رسالت خیرتاریخی شرا عمیقاً درک می کرد. او نیز با هر کمونیست ما در هر لحظه آماده بود که آتش و ارغان در تیر بنهاند، و خسود می گوید: "... خوب مردن هم مثل هر کار دیگری مستلزم بلد بودن است... انسانیکه بخاطر سر آرمانهای سیاسی و اجتماعی خود شریک شهادت نباشد، راه خوب مردن را بلد است."

روزبه در دوران فعالیت انقلابی اش چندین بار دستگیر و زندانی شده و در هر بار رشکلی و با کمک رفقا پیش از جنگ دشمنان را هبای یافت. ولی در ۱۵ تیرماه ۱۳۴۶ بر اثر شیبانت خود فروختگان پس از یک درگیری شدید مسلحانه و مقاومت قهرمانانه مجروح شد و با تمام زئرشکنجه های جسمی و روحی بود. در این مدت چون بولاد - مقاومت نموده و همچنان به عهدش وفا دار ماند: "من به عقاید خودم پایبندم، نظرات سیاسی مرا مقدس می شمارم، به عهد و سوگند خود وفا دارم. به امقایی که در زئرشکنکت حزب توده ایران کرده ام، احترام می گذارم و هرگز به خاطر طلب منبعت یا دفع خطر پیمان خود را نمی شکم".

خسرو روزبه بیباک شاه را به صحنه افشای تمامیت رژیم ضد مردمی بدل ساخت. به حقانیت اندیشه و آرمانهای والای کارگران و زحمتکشسان پای افشاد و محاکمه خود را به محاکمه رژیم تبدیل نمود.

روزبه هنوز زنده بود که قهرمان شید بسمل شد و انگاه که دلبران به جان باخت بر کوه ایمن قهرمانی افزوده گشت. سنت روزبه را همزمان او، کسانیهیون رفیق پرویز حکمت جویا برداشتند. رفیق حکمت جوکه ۲۴ خرداد ۱۳۵۳ پس از سال اسارت و زئرشکنجه های وحشیانه دژخیمستان ساواک شاه شهید شد و زجمله زندانیانی بود که با مقاومت و شجاعت و روحیه روزمنده اش بدرقا و مست در برابر فشارها و زندانبانان رژیم شاه می پراکند. دشمن هیچگاه نتوانست حتی برای لحظه ای روحیه شاداب و انقلابی رفیق حکمت جو را بزمرد سازد.

رفیق پرویز حکمت جو سال ۱۳۳۱ به صفوف حزب توده ایران وارد شد. و در سال نظامی حزب توده ایران فعالیت می کرد. او بعد از کودتای خونین ۲۸ مرداد مجبور به مهاجرت گردید. ولی در سال ۱۳۴۳ برای ما موریت حزبی دوباره به میهن بازگشت و دیگری گذشت که دستگیر شد.

در بیادگاه رژیم شاه رفیق حکمت جو به مرگ محکوم شد، ولی فشار افکار عمومی در ایران وجهان مانع اجزای حکم شد. اما رژیم کینه توز شاه که در آن زمان نتوانست بود، به خواست پلید خود عمل کند، با لاف در خرداد ۱۳۵۳ رفیق حکمت جو را بطرز وحشیانه ای زئرشکنجه های شدید به شهادت رسانید. رفیق حکمت جو در آخرین دفاعاتش گفت: "... عشق آتشین من به وطنم، به رفقایم، به دوستانم، تمام آنهاست که برای بره روزی افراد شادمانند و رنجبر در تلاش می باشند، و عشقم به زحمتکشانی میهنم و سراسر جهان، عشق و احترام به کسانی است که در راه ملج بین کسبدها ملل به جهاد برخاسته اند و این عشق بزرگ به سعادت مردم است که با صلح و صوفیان در مقام فنا می نشاند، توده های روزمنده و همه کمونیستهای ایران سنت روزبه و حکمت جو را پاس می دارند و مردم ما در نبرد علیه دشمنان از این فرزندان دلیر و جانباخته خود الهام می گیرند.

پیروز یاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

آدرس: P.O. BOX 1091 WIEN AUSTRIA

ایریش

مسابکهای: AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 02910701 - 850 DR. GERTRAUD ARTNER



کارگران در راه آزادی های سیاسی می بايست برآن تکیه کرد.

مبارزه قاطعانه برای انحلال انجمن های اسلامی و علیه مداخلات سرکوبگرانه و پلیسی ها دستاویز سیاسی و کمپین ها در مورستی - سیاسی کارگران و کانالیزه کردن این مبارزه علیه مجموعه سیستم ارتجاعی و پلیسی حاکم بر رژیم مستبد خمینی است. کارگران در جریان مبارزات صنفی روزمره خود بطور مشخص و مکرر با اشکال مختلف نقض و اختناق مواجهند که با رزترین مظهر اعمال آن در محیط کار، انجمن اسلامی است. انجمن اسلامی بمثابه ارگان جاسوسی، خبرچینی و پرونده سازی علیه کارگران و مهمترین آن بعنوان ارگانی وابسته به رژیم و کمپین های اش همدستی با ارگان های سرکوبگر از طریق مداخله و اختلال در امور صنفی، همانست از تجمع، تشکل، اعتماد و هرگونه آزادی صنفی و سیاسی کارگران می باشد، مورد نفرت و ستودن کارگران است. انجمن های اسلامی بدلیل وابستگی و ارتباط شان با حزب جمهوری اسلامی، وزارت اطلاعات، دادستانی انقلاب و سپاه و کمپین ها، در واقع موثرترین ارگان اختناق و فشار پلیسی رژیم در محیط های کار هستند. اداره خراسان (بمثابه حربه مدیریت علیه کارگران) از برخی جهات نقشی مشابه انجمن اسلامی بازی کند اما انجمن اسلامی، بخاطر کیفیت ارتباطی با ارگان های ذینفوذ حاکم، از دیگر ارگان های ضد کارگری متمایز است. و اما انجمن اسلامی در عین حال پاشنه آشیل رژیم و ولایت فقیه در محیط های کارگری نیز هست. لذا باید در مرکز حملات سازمان یافته، مستمرو کوبنده فعالین و پیشروان کارگری قرار گیرد.

مبارزه کارگران برای انحلال انجمن های اسلامی و خنثی کردن مداخلات ارگان های پلیسی و سرکوبگر در امور کارگری ضرورت عینی داشته و مبارزاتی است با خصیصه عمیقانه بوده ای. ماهیت ضد کارگری و فساد دموکراتیک انجمن اسلامی و ارگان های ذینفوسد حا می آن و نیز عین بودن سرشوندن آن با سرشوندن ولایت فقیه موجب می شود که مبارزات مستوده ای کارگران برای انحلال آن و علیه ارگان های سرکوبگر حاکم جهت تامین آزادیها و حقوق دموکراتیک و سندیکی به سرعت و سهولت با مبارزه علیه استبداد رژیم خمینی گره بخورد.

کارگران پیشرو و آگاه با مبارزه علیه عینی و بیوندن منطقی میان مبارزه برای تامین آزادی های صنفی - سیاسی (حق تشکل، حق اعتراض، تحمسن اعتماد، نظرات و...) و مبارزه برای تامین آزادی های سیاسی و حقوق دموکراتیک عام را برای مبارزه کارگران توضیح دهند. تلفیق مشخص این مبارزه در کارخانجات عبارت از بسیج توده کارگران در مبارزه علیه ارگان های پلیسی و سرکوبگر رژیم بویژه انجمن اسلامی، نشان دادن بیوندن این مبارزه در سیستم استبدادی ولایت فقیه و کانالیزه کردن این مبارزه علیه رژیم خمینی بمثابه مسبب اصلی اختناق و آزادی کشی است.

سازماندهی هسته های مخفی کارگران برای تسریع در ایجاد تشکل های مستقل توده ای، بسیج و سازماندهی مبارزه کارگران علیه اخراج، بیکاری و جنگه بسیج و سازماندهی مبارزه کارگران علیه انجمن اسلامی و ارگان های پلیسی و سرکوبگر، علیه اختناق و استبداد حاکم و کانالیزه کردن مجموعه این مبارزه در جهت سرنگونی رژیم جنگ افروز و مستبد خمینی و وظیفه مهم و میرم کارگران پیشرو و همه فداییان خلق است. ★★

بسیج کارگران برای صلح و آزادی علیه رژیم

بحران اقتصادی رژیم در شرایط استبداد و جنگ بنحویس سابقه ای حدت یافته و منجر به توقیف پروژه های عمرانی، تعطیل کارخانجات و اخراج گسترده کارگران شده است. کارگران نقش مخرب جنگ را در تشدید فشار کار و عدم افزایش دستمزد، در تحمیل اضافه کاری اجباری و سرکوبگری به نفع جبهه، در فشار برای اعزام به جبهه ها و اخراج های توده ای و گسترده به عینه می بینند و بیهوشگسال مختلف علیه آن مبارزه می کنند.

بسیج کارگران برای صلح و آزادی علیه رژیم

از آنجا که حق کار و امنیت شغلی در مقایسه با دیگر عرصه های حقوق صنفی (از قبیل حق تشکل و دستمزد)، ابتدایی ترین و بیدیهی ترین حقوق صنفی محسوب می شود، طبیعی است که کارگران در برابر برتا شیرمخرب بحران و جنگ بر امنیت شغلی خود، بیش از نقض دیگر حقوق و انکس نشان می دهند. مبارزه علیه اخراج و بیکاری چه در اواخر دوره شاه برای لغو ماده ۳۳ و چه در سالهای اخیر - همواره از توده های ترین عرصه های مبارزات کارگران بوده است این مبارزه آیتک بیش از هر زمان دیگری گسترده و خاد شده است. در شرایط کنونی مبارزات

ضد جنگ کارگران عمیقاً با جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران، بویژه با مبارزه علیه اخراج گره خورده است. این پیوند می تواند از یک طرف جنبش سیاسی ضد جنگ و ضد رژیم جنگ افروز خمینی را از پشتوانه حرکت متشکل توده ای برخوردار کند و از طرف دیگر به سیاسی کردن جنبش مطالباتی و اعتراضی کارگران کمک نماید.

توضیح رابطه میان جنگ و اخراج و بیکاری، تطبیق مبارزه توده ای علیه اخراج و اعتراض علیه جنگ و کانالیزه کردن مجموعه این مبارزات علیه رژیم خمینی که مسبب همه آنهاست، وظیفه ای است که باید کارگران پیشرو و آگاه در صورت وظایف خود قرار دهند. توده کارگران باید بدانند که بدون مبارزه برای قطع جنگ نمی توان سیل اخراج ها را متوقف کرد.

برای بسیج کارگران در راه آزادی

مبارزه در راه تامین آزادیهای سیاسی دیگر عرصه اساسی مبارزه طبقه کارگر و دیگر قشار و طبقات خلق است. طبقه کارگر باید در راستای مبارزه با خطر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تامین خواسته های اساسی خود، امروز پرچم دفاع از آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم را بدست گیرد. گسترش و تقویت پیوند میان مبارزه کارگران در راه آزادی های سندیکی و حقوق دموکراتیک خود با مبارزه در راه آزادیهای سیاسی طبقه عمده است که برای بسیج

جنبش توده ای کارگری میهن ماکه خصمت اعتراضی و مطالباتی دارد، فعلاً لترین و موثرترین بخش جنبش توده ای است. اما ضعف سیاسی و سازماندهی موجب شده است که طبقه کارگر از ایفای نقش شایسته خود در جنبش عمومی خلق بازمانده است.

مضمون جنبش اعتراضی و مطالباتی جاری کارگران هنوز عمدتاً اقتصادی است. این عامل، دامنه اش را جنبش توده ای کارگری را در جنبش عمومی خلق محدود می کند. هنوز کم کاری فراگیرترین و عام ترین شکل مبارزه صنفی و توده ای کارگران است و اعتمادات علیرغم تعدد اهمیت شان هنوز ناقص است. سازمان و نقشه لازم است. بخش اعظم واحدهای تولیدی و خدماتی کشور از تشکل های صنفی مستقل و توده ای محرومند. سندیکیا و شوراهای کارگری زیر فشار سرکوبگرانه رژیم منحل و یا تضعیف شده و بعضاً بطور محدود و مخفی فعالیت دارند. تشکل های صنفی کارگری عمدتاً بصورت تعاونیها، هیات های نمایندگان و کمیسیون ها و کمیته های فرعی صنفی به فعالیت علنی و توده ای ادامه می دهند. هسته های مخفی کارگری هنوز تشکل های صنفی مستقل و توده ای اند و در اغلب موارد هنوز شرایط اولیه تکوین خود را می گذرانند، یعنی در حد محافل کارگری قرار دارند. "شورای کار" نیز که بعنوان تشکل رسمی و قانونی فعالیت صنفی کارگران مطرح شده، هنوز مراحل انتخابی را طی می کند. علیرغم تضییقات پلیسی گوناگون انتخابات میزور به یکی از عرصه های جدی مبارزه کارگران برای ایجاد تشکل های مستقل بسدل شده است. در شرایط کنونی، بسیج توده کارگران در مبارزه

برای ایجاد تشکل های صنفی مستقل در محیط و با سازماندهی کارگران پیشرو و آگاه قرار دارد. طبقه اصلی و مقدم در سازماندهی این مبارزه، ایحاد هسته های مخفی کارگری و استفاده از همه امکانات صنفی مبارزه صنفی - سیاسی است.

بیدیهی است که برای جنبش توده ای کارگری، تجهیز سبزه سازماندهی مستقل صنفی، گامی است به جلو. اما پیشروان کمونیست و کارگران مبارزو آگاه نمی توانند اهرم تشکل توده ای را بدون تلفیق وظایف آتی و آتی، بدون آرایه دورنمای مبارزه طبقاتی و سیاسی کارگران و بدون برقراری پیوند میان مبارزه طبقه کارگر و جنبش عمومی خلق بدرستی بکار گیرند.

برای آنکه مبارزات طبقه کارگر در جنبش عمومی خلق هرچه بیشتر منشاء اشگر گردد، باید جنبش کارگری از محدوده وظایف آتی و آتی، بدون آرایه دورنمای رفته و سطح جنبش توده ای کارگری از نظر سیاسی ارتقا یابد. فراگیرترین و مقدمترین عرصه ای که می تواند مبارزات کارگران را در مسیر سیاسی ضرورت قرار دهد و با مبارزه دیگر قشار و طبقات خلق پیوند دهد، مبارزه قاطعانه و سازمان یافته برای صلح و آزادی و علیه رژیم است.

برای بسیج کارگران در راه صلح

چگونه می توان توده های وسیع کارگران را بطور متشکل علیه جنگ و رژیم جنگ افروز مستبد حاکم به حرکت درآورد؟ موثرترین حلقه پیوند میان مبارزات صنفی روزمره کارگران و مبارزه عمومی خلق علیه جنگ در کجاست؟ این حلقه را باید در نا شویرمخرب جنگ بر شرایط کار روزندگی کارگران

کارگران پیشرو!
"قانون شورا های اسلامی کار" حق ایجاد تشکل های صنفی مستقل را از کارگران سلب کرده و دست وزارت کار، انجمن های اسلامی و مدیریت را برای هرگونه اختلال باز گذاشته است. در شرایط سربازخانه ای حاکم بر کارخانجات، نخستین گام برای ایجاد تشکل های واقعی، تشکیل هسته های مخفی کارگری است.
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

کارگران پیشرو!
قانون شورا های اسلامی کار و انتخابات فرمایشی آنرا افشا کنید. نگذارید وزارت کار و انجمن اسلامی در انتخابات شوراها دخالت کنند. کاندیداهای تحمیلی را افشا کنید. به نمایندگان واقعی خود رای دهید.
برای ایجاد تشکل صنفی مستقل، علیه تحمیل "شورای اسلامی" مبارزه کنید.
سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

افراشته باد پرچم رزم کارگران و رنجبران!

جنبش دهقانی و وظایف ما

در تمام مناطق از کشور که زمینداران بزرگ رایج بوده و مساله زمین عمده است، مبارزه برای کسب زمین بشدت ادامه دارد. رژیم خمینی تاکنون نتوانست مطلقاً بقایای زمینداران را از بین ببرد. کشاورزان و دهقانان با وجود مقاومت و مبارزه برای کسب زمین، زمینداران را از بین نبردند.

رژیم علیرغم تلاشهای شدید خود در جهت سرکشی و سرکشی زمینداران، کشت موفت سابق را بگونه‌ای مالک پسندانه روشن سازد. مبارزه با متحدان و جمهوری اسلامی را در حل دلخواه این ساله‌ها کام کرده است.

در تقاضای از کشور که سال‌ها زمین‌های اعمدگسی برخوردار نیست، دهقانان با شکرانگی فراوانی در زمینه‌های تولیدی و غیرتولیدی مواجه شدند. ورکشنگی اقتصادی کشور و اخصاً غالباً امکانات به جنگ عدم انجام اصلاحات روستایی، بازگشت بزرگ مالکان و تلاش برای برقراری روابط مسلط و مناسبات کهنه، تخریب تولیدی بی‌برنامه‌گی در زمین‌ها گشت، داشت و برداشت محصولات و نبود امکانات تولیدی نظیر بذر، کود، آب زراعی، سم، دام، قطعات یدکی و سوخت ماشین آلات کشاورزی فعالیت تولیدی دهقانان را مختل ساخته است. اکثریت روستاییان کشور از نبود بهداشت و درمان آب‌آشامیدنی و حمام، راه و مدرسه و غیره رنج می‌برند.

ورکشنگی کشاورزی و خانه‌خوابی دهقانان سبب شده است که گروه‌های روستاییان کشاورز بدنبال کار روستایی گذران زندگی و تامین حداقل معاش خود به شهرها مهاجرت کنند و تحت سخت‌ترین شرایط در حاشیه شهرها بسر ببرند.

هم‌اکنون ۱/۵ میلیون خانوار دهقان بی‌زمین و کم‌زمین (حدود ۷/۵ میلیون نفر روستایی بی‌سرپرست) در معرض شدیدترین فشارهای اقتصادی و در بدترین شرایط بسر می‌برند و از میان حداقل معاش خویش محرومند. وضع حدود ۲۵ هزار کارگر کشاورزان هم بدتر است.

در چنین شرایطی مبارزه دهقانان با بهره‌گیری از تجربیات مبارزاتی ۷ ساله گذشته‌های بیشتر و فحلت جمعی برپیدایی می‌کند. مبارزه گسترده‌ای در کل کشور نیز برپا می‌گردد. دهقانان موشری افتد، کار انقلابی، آگاه‌ها را سازماندهی کرده در روستاهای کشور امروز اهمیت بسیار جدی دارد. چگونگی تبلیغات انقلابی در روستاها و چگونگی گسترش کار روستاهای در میان دهقانان از جمله مسایل عمده‌ای است که باید با دقت و مهارت آنرا فرسای گرییم و بکار بندیم.

تبلیغات ما باید به‌دین مبرم‌ترین خواست‌ها و نیازهای مشخص و مطلق دهقانان تکیه کند. ما باید بکوشیم در هر منطقه‌ای متناسب با خواسته‌های مشخص دهقانان شعارهای عملی و بسیج‌گر را دقیقاً تعیین و تبلیغ کنیم. اما این درست نیست که صرفاً به این خواسته‌ها و نیازها بسنده کنیم. باید دهقانان را منافع اساسی خود را بدقت بازشناسد، پیوستگی منافع خود با توده‌های شهرنشین، خصوصاً کارگران را در برآورد و علیه کل رژیم بسط دهد. باید بکوشیم مبارزه دهقانان را به‌سوی دست‌یابی به خواسته‌های مشخص اقتصادی‌شان منبسط کنیم. باید به این امر تدارک‌های اساسی برای مبارزه مستقل و متحد و متشکل دهقانان درآید. علاوه بر این، تمایل به طرفداری آگاهانه از مبارزه طبقه کارگر روستاها و زمینداران در سرکشوری در آنها باید رخا دهد.

ما باید دهقانان را به ضرورت دفاع و حمایت از مبارزات و خواسته‌های کارگران و دیگر اقشار انقلابی آگاه سازیم. باید بکوشیم خواسته‌های مشترک کارگران و دهقانان را برپایندخواسته‌های دهقانان با سایر اقشار انقلابی و بر ضرورت اتحاد دهقانان با کارگران و زمینداران شهرها کید کنیم و آنرا توضیح دهیم. دهقانان باید آگاه شوند که بدون اتحاد آنها با کارگران به پیروزی قطعی دست نخواهند یافت و از تسلط مالکان و حکام می‌توانند آنها را نخواهند داشت.

مساله جنگ در حال حاضر معضلی عمومی است که دهقانان میهن ما هرکجا بگردند یا با آن درگیرند. افشاگردهای دهقانان برای کمک به جنبه‌ها و سرپا زگیری اجباری و آزادی و آزادی روستاییان توسط ژاندارها و گوانسی و کمبودهای ناشی از جنگ، خشم و نفرت آنها نسبت به جنگ و رژیم جنگ و جمهوری اسلامی را برمی‌انگیزد. شعار صلح شعاری عمومی و فراگیر است که توده‌های دهقانی را علیه رژیم جنگ طلب خمینی که تا ساله ادامه جنگ و ویرانی و کشتار روستاها را میهن ماست، برمی‌انگیزد. این شعار را باید در وسیع‌ترین سطحی تبلیغ کنیم و کشتار و ویرانی‌های ناشی از جنگ را که خمینی چنانیکا مسئول تمام آنهاست، افشا سازیم.

حال که رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی هرگونه حرکت انقلابی و ترقیخواهانه را سرکوب می‌کند، برای کار انقلابی آگاه‌ها را وسایل مبارزه‌ای در دسترس ما قرار داده است. ما باید از سربلای این مناسبات و ابتکارهای سودجست، سازمان‌ها که طی سالهای پس از انقلاب فعالیت گسترده و موشری را در روستاها و شهرها برپا کرده، و کار روستاهای وسیع و روستاهای گسترده‌ای، اکنون علیه رژیم شرایط دشوار، امکانات بسیار برای گسترش مبارزه در دهان در اختیار ما در دسترس است که کار روستاهای دهقانی در گذشته‌ها را جدیت پیش‌رفته‌ای، نیروها و اعتبارها را سازمان بسیارند. آنها اکنون نیز تا آنجا که امکان آشنا بی‌سایه‌ها و شترهای سازمان را برپا بند می‌توانند به فعالیت موشری درآیند. بدین منظور ضروری است سازماندهی هسته‌های کار دهقانی از فضای بومی با تجربه و آشنا با روستا در جنبه‌ها و احدها سازماندهی در دست‌تورق را بگیرد. این هسته‌ها باید سیاست‌های سازمان را با مسایل منطقه فعالیت خود تطبیق دهند. باید سیاستی کنند تا در بدینترتیب از روستاها را بپوشانند و یک یا دو روستا بسنده نکنند. این هسته‌ها باید در سرخ‌های ارتباطی با روستاها را با زاری کرده، هواداران و اعتبار فعال در دهان را بطور مشخص راه‌نمای کنند. شعارهای مناسب را به موقع مطرح و تبلیغ هر چه وسیع‌تر سیاست‌های سازمان در روستاها را سازمان دهند. هسته‌های موشری باید سازماندهی و هدایت مبارزه دهقانان، ارتقا اشکال و طرق مبارزه‌ها را در دست‌تورق خود قرار دهند و مبارزه آنها را متعین نمایند.

دهقانان آگاه و مبارز، دهقانانی که برای کار به شهرهای اطراف می‌روند، مصلحتی بر سیاست‌ها که در تمام نزدیک با توده‌های دهقانان هستند و در میان دهقانان دارای نفوذ هستند، مصلحتین روستایی که به مراکز پیش‌وایا شهرهای نزدیک برای ادامه تحصیل می‌آیند، کارمندان و کارکنان مراکز خدماتی و ادارات دولتی که در روستاهای مرکزی و بخش‌ها اشغال دارند و در روستاییان در تمام روستاها و روستاها و افراد مورد اعتماد احترام روستاییان، سربلای مناسبی برای تماس با روستاییان هستند.

مهاجرین روستایی که روز بروز بر تعداد آنها افزوده می‌شود در حاشیه شهرها ساکنند و تا سالها ارتباط خود را با روستا قطع کرده و به لحاظ اقتصادی وجه نظر علقی فرهنگی و فامیلی بسیار روستاها در تمام است. از امکانات موشری کار در روستاها هستند. مهاجرین روستایی بدلیل مشکلات و مصایب فراوان و خانه خرابی که حاصل سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی است، بدلیل سکونت در شهر و تماس با اقشار و طبقات انقلابی امکان بیشتری برای آشنایی با ما به‌سوی رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی و کارگران آن دارند. افشاگری‌های سیاسی در بین آنها موشری است. امکان ارتقاء آگاهی آنها بیشتر است. آنها در تماس با کارگران و زمینداران شهرنشین هستند و از نزدیک مشکلات و مصایب مشترک را می‌بینند و این امر حداقل طرفداری آگاهانه از مبارزه کارگران و زمینداران شهری را در آنها برپا می‌کند. بدین ترتیب این نیروها قادرند تا در مبارزه طبقاتی را به روستاها انتقال دهند و خواسته‌های معین سیاسی را در تمام باها تا مطرح کنند.

علاوه بر این اغلب کارگران فلسطی و ساخناسی و کارگران شاغل در کارگاه‌های کوچک دارای منشأ روستایی هستند. بخشی از آنها هنوز با روستاها ارتباط دارند و در روستاها زندگی می‌کنند. این نیروها را باید با دید سیاست‌های دهقانی سازمان آشنا کنیم تا به دهقانان در مبارزه علیه بزرگ مالکان و رژیم باری رسانند و در ارتقاء آگاهی آنان بکوشند. کارگران نیز می‌توانند با دیدهم و نقش‌های در خود در پیشبرد مبارزه دهقانان بعهده گیرند. کارگران میهن ما باید درک کنند که بدون اتحاد با دهقانان، بدون اینکه دهقانان را در مبارزه علیه رژیم حامی سرمایه‌داران و مالکان بزرگ با خود همراه سازند، قادر به کسب پیروزی نیستند. ما باید کارگران را با مشکلات و مصایب دهقانان زمینداران و کارگران کشاورزی آشنا سازیم و مسایل و مشکلات مشترک آنها را یادآوری کنیم و بر ضرورت اتحاد و یگانگی آنها تاکید کنیم.

گسترش فعالیت انقلابی سازمان در میان دهقانان در گوردگ اهمیت این امر خطیر توسط رفقهای ماست. رفقهای ما، حتی آنها هستند که در لحاظ محیط فعالیتشان با روستاها مرتبط نیست، باید بطور جدی درباره مبارزه دهقانان، اهمیت این مبارزه در روند انقلاب و وظایف خطیر سازمان را در مقابل آن برپا کنند و امکانات و راه‌های گسترش نفوذ سازمان در روستاها را جستجو کنند. نجار و امکان کسب توده‌های فعالیت بر سر چند ساله سازمان در میان دهقانان بر سر یک تقدیری است که جدا به ما امکان می‌دهد. علیرغم سرکوب‌گری‌های رژیم خمینی راه پیوند با جنبش دهقانی را بی‌پایان و بی‌وقفی سازمان در دهان مبارزات دهقانان بطور موشری افزایش می‌دهد.

بحران اقتصادی...

تبدیل و عوام‌فروشیانه کاهش تولید نفت، بمنظور مقابله با کاهش قیمت‌ها، از میان رفتن سیاست واقعی اش را در تاراج نفت آشکارا ساخت، روستاییان گفت: ایران با افزایش حاد کثرت تولید نفت خود بطور موقت کاهش درآمد نفت را جبران خواهد کرد. اما واقعیت این است که رژیم بدلیل شرایط جنگی و سقوط قیمت‌ها قادر به جبران کاهش درآمد نفت نیست.

بحران عمیق مالی ارزی به تشدید بحران اقتصادی در همه عرصه‌ها انجامیده است. کارخانجات بدلیل کمبود رزومواد اولیه یکی پس از دیگری تعطیل می‌شوند. رشد صنعتی کشور متوقف شده و سایر منعی در پیش گرفته است. شامی وزیر صنایع، وضعیت صنایع کشور را اینگونه تصویر می‌کند: "از سال ۱۳۶۳ با تشدید دو ساله کمبود رزومواد مکرر برق (در مجموع رشد صنایع متوقف شده و سایر اطلاعات ۱۸ دی ۶۴) وضع کشاورزی نیز اسف‌بار است. تولیدات کشاورزی قادر به تامین هیچک از نیازهای مردم نیست و واردات اسف‌بار افزایش می‌یابد.

وضع زندگی مردم با سرعتی سابقه‌ای روبه‌رو است. می‌رود. قیمت‌ها هر ماه و هر روز افزایش می‌یابد. مطابق آمار بانک مرکزی تنها در فاصله دی تا بهمن سال گذشته قیمت‌ها ۳/۱ درصد افزایش یافته است. زندگی مردم بسیار رفلاکت با رتور از چیزی است که در آمارهای رسمی گفته می‌شود. میلیون‌ها تن از مردم کشور را خطر گرسنگی تهدید می‌کند. کارگران ارگروه گروه‌ها کارخانجات بیرون می‌ریزند. چندین میلیون کارگر و زمیندار در کشور بیگانه‌ها هستند. دهقانان بدلیل خرابی و کشت و زری همچنان در حال مهاجرت به شهرها هستند. میلیون‌ها دهقان مهاجر در بیابان‌ها و حاشیه شهرها با فقر و بیگاری و گرسنگی دست‌بگریبانند. در حالی که مردم ما گرسنه و بیگانه‌ها در کشور ویران شده‌اند، رژیم روستاهای ملی را می‌بندد به‌گام جنگ می‌ریزد. جنگ ارتجاعی و ویرانگر عمده‌ترین عامل تشدید بحران و بدبختی روزافزون مردم است. رژیم خمینی از دهان مردم می‌گیرد و در تنور جنگ می‌ریزد.

سیاست حکومت خمینی انتقال هر چه بیشتر بار بحران بر دوش زحمتکشان و ادامه جنگ به‌به‌بهای غارت بیشتر آنان است. مسئولین رژیم برای تامین هزینه‌های جنگی پیاپی مردم را به "بشار" و "فداکاری" بیشتر دعوت می‌کنند. نخست وزیر رژیم ماه گذشته ضمن دیدار با استانداران محرومیت‌ها و کمبودهای بازم بیشتر را دوگفت: "طبیعی است که از کمبودها منابع بیشتر است. در اختیار جنگ بگذاریم، ما باید از مصرف بکاهیم. دولت باید بدنبال صرفه‌جویی بیشتر باشد." (روزنامه‌های ۵ اردیبهشت ۶۵). او استانداران را تشویق کرد که "همه‌گونه تلاش را برای کسب درآمد‌های مالیاتی" بکار ببرند. وی بیشتر ما مردم خواست برای آنگه بودجه بیشتری جهت تامین هزینه جنگ اختصاصی یا بد، کمربندهای خود را سفت ببندند.

بر اساس بودجه سال جاری دولت قصد دارد مسال بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان از مردم مالیات بگیرد. رژیم به‌به‌بانه صرفه‌جویی از میان حداقل کالاهای ضروری بازم بیشتر خواهد کرد. همه‌گونه که به‌زادنی و ضروریات معین دست‌بگریبان کارخانه‌داران و ازم کرد، سیاست دولت است که از تعداد "نان خورده"، یعنی کارگران بازم کم مالیات بکاهد. "همه‌گونه تلاش را برای کسب درآمد مالیات بکاهد". یعنی کارگران بازم کم بیشتر، فقر و فلاکت روزافزون ترا خواهد بود. هر چه بیشتر مردم طی ماه‌های آتی است.

بحران اقتصادی رژیم جبراً بحران اجتماعی و سیاسی را شدت می‌دهد. ارتجاع تاکی و تاجه حد می‌توانند کمربند گرسنگی را بر مردم سفت کنند تا تنور جنگ را داغ رنگه دارند. واقعیت این است که در جنبه‌ترین و نا آگاهانه‌ترین بخش توده زحمتکش نیز با تازید بیگاری، گران، فقر، بی‌مسکنی، ناامنی شغلی و اجتماعی، آدامه کشتار و ویرانی در جنبه‌ها و پشت جنبه‌ها و مدگونه سترومیت دیگر جبراً زخواب برپا می‌شود و سرانجام خود را از جنگ آفسون ملایان خاشاک نجارت خواهد داد. اما باید تا کید کرد که توده‌های میلیونی تنها و تنها با کمک پیشرو انقلابی خود خواهند توانست به‌منافع واقعی خود پی ببرند و جنبش انقلابی خود را ایجاد کنند و پرچم واقعی خود را پیش‌پیش مبارزات بسازند. کشتار و ویرانی در جنبه‌ها و مدگونه سترومیت دیگر و گسترش مبارزات توده‌های میلیونی علیه جنگ و رژیم از ما می‌طلبد که بر کوششهای خود با افزایش و با هم‌توان برای بسیج انقلابی توده‌ها، بساری جلب آنها بسوی پیش‌هنگ انقلابی خودشان و بساری ترغیب آنها جهت اقدام هر چه قاطع‌تر علیه رژیم و ارتجاع مبارزه کنیم.

کمیته‌های ایمنی و حفاظت کار را تشکیل دهیم

در کمیته‌های فنی حفاظت و بهداشت کار، طبق آیین نامه موجود، این کمیته‌ها از کارفرما یا نماینده او، مدیر فنی، مهندس یا متخصص حفاظت بزرگ کارگاه، یکی از سراسر کارکنان و نماینده کارگران در شورای کارگاه، تشکیل می‌شوند. روشن است که نماینده کارگران با بدنامی و بی‌اعتمادی معرفی شده از جانب تشکل صنفی کارگران نباشد. این نظر تعداد دنیز با بدنامی و بی‌اعتمادی فنی حفاظت کار کرده نمایندگان کارگران افزایش یابد آیین نامه کنونی عقب مانده و مربوط به سال ۴۷ است و باید ضرورت‌های کنونی بهبود شرایط حفاظتی کار را منطبق شود. علاوه بر افزایش تعداد نمایندگان کارگران در ترکیب کمیته‌ها، باید منته اختیارات این کمیته‌ها در برنام‌ریزی، نظارت و کنترل آیین نامه‌ها و مقررات مربوطه نیز از جمله نکات مهمی است که باید در تدوین آیین نامه جدید موردتوجه قرار گیرند. همچنین مشارکت نمایندگان کارگران (که باید مشارکت نمایندگان سازمان‌های صنفی سراسری کارگران کشور باشد) در شورای عالی حفاظت و تدوین مقررات و آیین نامه‌های اجرایی مربوطه یکی دیگر از اشکال مشارکت سازمان یافته کارگران است.

بر اساس آنچه گفته شد، فعالین کارگری وظایف جدی در این زمینه برعهده دارند:

- ۱- با بدنامی مشارکت کارگران با اشکال به شکل‌های مستقل صنفی را در بهبود نسبی شرایط ایمنی کار توضیح داد و تبلیغ کرد.
- ۲- با بدنامی دادگاه‌یک از اشکال عمده این مشارکت، حضور فعالانه نمایندگان واقعی کارگران در کمیته‌های ایمنی کار به منظور کنترل اجرائی مقررات ایمنی و بهداشت کار و نیز شرکت این نمایندگان در شورای عالی حفاظت جهت تدوین مقررات مذکور می‌باشد.
- ۳- با بدنامی دادگاه آیین نامه کنونی کمیته‌های ایمنی کار باید جای خود را به آیین نامه و مقررات جدیدی بدهد که متضمن افزایش تعداد و نقش کارگران در ترکیب این کمیته‌ها است. کمیته‌ها باید با بدنامی این راستا به مبارزه دعوت کنند.
- ۴- با بدنامی کمیته‌های موجود حفاظت فنی و بهداشت کار، فعالانه حضور یافته و ضمن تلاش برای تقویت خصلت کارگری آنها، برای بازسازی و ایجاد کمیته‌های واقعی مبارزه کرد.
- ۵- در همه موارد باید عدل ریشه‌ای حوادث را برای کارگران توضیح داد. با بدنامی دادگاه‌ها توانایی رژیم در حل این معضله از خصلت استعمارگرانه و ارتجاعی آن ناشی می‌شود.

مجدداً بکار رفته و سرکارگر می‌بورد در مملکت می‌شود وزیر کار در آخرین سمینار حفاظت و بهداشت کار مدعی شد که ضایعات عمدتاً مربوط به کارخانجات بخش خصوصی است، چون آنها بخاطر کسب سود بیشتر، موازین را رعایت نمی‌کنند. حال آنکه در واحدهای بزرگ دولتی نیز چنان مکان نیم فشار سازمان یافته‌ای برای افزایش تولید و اضافه کاری بر کارگران اعمال می‌شود که جای هیچگونه مقایسه عوامفریبانه‌ای را باقی نمی‌گذارد. مسئولین دولتی همچنین در توضیح و توجیه ضایعات حین کار به "سهل انگاری" کارگران و "عدم رعایت ضوابط ایمنی" از سوی آنها اشاره می‌کنند و از فقدان آموزش فنی سخن می‌گویند، بدون آنکه بگویند مسئولیت آموزش فنی و حرفه‌ای کارگران با کیست؟ آنها از "سهل انگاری و عدم رعایت" کارگران صحبت می‌کنند، بدون آنکه از شرایط فرسایش کار، تحمیلات سربازانه‌ای کارفرمایان در محیط کار، انواع مشکلات اقتصادی و اجتماعی کارگران و خشکی و فرسودگی جسمی و روحی ناشی از فشار کار و زندگی یک کلمه هم بگویند. شرایط کارچنان غیر انسانی است که کارگران با مشغله‌های فکری و روحی متعدد، با خشکی شدید جسمی و با خواب آلودگی ناشی از کار فرسایش‌ناپذیر دستگیر می‌شوند. این وضعیت غیر انسانی موجب می‌شود که کارگری که مشغول کاری حساس در پشت دستگاه است از تمرکز فکری و حواس لازم برخوردار نباشد. روشن است که حل ریشه‌های این معضله در گرو براندازی نظام سرمایه‌داری و ایجاد دموکراسی بی‌بربرانه آن نظام امکان پذیر است. با این حال مبارزه برای بهبود نسبی شرایط ایمنی کارگرا علاوه بر ضروری و مورد مطالبه توده کارگران است. امروز با زمانه مبارزه کارگران برای بهبود شرایط کار و اعمال کنترل کارگری در اجرائی تمام و تمام ضوابط مربوط به حفاظت و ایمنی کار از وظایف مبرم و اساسی کارگران پیشرو و آگاه است. بدون بسیج کارگران و تأمین مشارکت گسترده آنها در امر کنترل و نظارت بر اجرائی مقررات حفاظت و بهداشت کار حتی بهبود نسبی شرایط کار را امکان پذیر نخواهد شد. بدیهی است که بدون وجود سازمان‌های صنفی مستقل کارگری، چنین مشارکتی نیز محقق نخواهد شد. در شرایط کنونی، گام نخست در این راه عبارت است از سازماندهی مشارکت کارگران

هر از چند گاهی پیرامون مسأله حفاظت و بهداشت کار، سمیناری از جانب وزارت کار برگزار می‌شود و هر بار ریزیم ساله ضایعات و سوانح حین کار و روشها و اقدامات فنی مقابله با آنها و نتایج آن مورد بحث قرار می‌گیرد، اما همیشه ریشه‌های معضل بزرگ کارگران مسکوت گذاشته می‌شود. روشن است که هدف این سمینارها نه ریشه‌یابی علل این حوادث و چگونگی رفع آن، بلکه بیش از هر چیز جلوگیری از زیان‌های اقتصادی سرمایه‌داران و دولت‌های آنهاست. ریشه‌های سوانح و ضایعات را قبل از هر چیز باید در مسائل استعماری و استعماریت نگاه کرد. استعمار و وفاداریت نگاه کرد. سرمایه‌داری موجب امتشاق و امتشاق شرایط طاقت فرسای کار و رونق فاحش ضوابط و استانداردهای ایمنی حفاظت و بهداشت کار است. میزان سوانح و ضایعات انسانی در کارگاه‌ها و کارخانجات با شدت کار رابطه مستقیم دارد. مطابق آمار خود رژیم که بسیار از واقعیت‌های کمتر است، تعداد سوانح و ضایعات حین کار تنها در سال ۶۲ آنهم فقط در واحدهای تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی بیشتر از ۱۴ هزار مورد بوده است که ۵۵۰ مورد آن به مرگ کارگران منجر شده است. در ماه‌های اخیر در اثر تشدید بحران اقتصادی رژیم، کاهش درآمد، فشار روزافزون سیاست جنگی بر اقتصاد کشور و گسترش موج اخراج و بیکاری، شدت کار ریزیم از هر زمان دیگر شده است. کنترل ایمنی کار در واحدهای تولیدی و صنعتی کشور بوسیله دولت ارتجاع بقدری تنزل یافته که کارفرمایان با خیال آسوده به از کار انداختن سیستم‌های حفاظتی و هشدار دهنده ماشین آلات و دستگاهها اقدام می‌کنند تا بتوانند از این طریق آهنگ کار را افزایش داده، با زده‌های کار در دستگاه‌ها را بالا ببرند. این ترغیب‌دهی در موارد متعددی موجب بروز سوانح دردناکی چون قطع عضو یا مرگ کارگران شده است. حادثه فاجعه زیرک خیرش در روزنامه‌های رژیم نیز درج شدیدی از دهها نمونه است که هر روز در واحدهای مختلف صنعتی کشوری می‌دهد. "سرکارگری در زیر دستگاه پرس له شد و منجر به مرگ او گشت... کارفرما جهت افزایش سرعت و رانندگی کار در دستگاه پرس، سیستم حفاظتی اتوماتیک آنرا از کار انداخته بود. کارگری که بر روی این دستگاه کار می‌کرد، بدنامی بروز نقص فنی و از کار افتادن پرس، سرش را به منظور رفع عیب زیر پرس می‌کند، در همین هنگام پرس

در شکنجه گاه

پس آنگاه، دیگری بار، زندانبان مرافرا خواند
از آنگونه که شب‌فرا می خواند خورشید را
و مرگ او از می دهد زندگی را.

برآمد!

از بیله دریده سلول

آنگونه که تا یسته آدمی است.

اودشنا می بر لب داشت و من سرودی

اوقایقی بی ثبات در توفانی که من بودم

و من مخره‌ای زخشنده

در ظلمتی که او بود.

من ستون و اوتازیانه

و آوری می گفت و من نه.

دردها من آواز تشدیدستان بود و در جاتم مشعل عشق

در کاسه سراسر او انگل برده خواهی.

ریشه‌ها من در توده فرودستان

و پای او در گندچاله فرادستان.

پس برگزیده ام تصویر خوشین ستمش را آفرید

و ستاره ناخنها بر آن گشت نام خاموش شدند.

در آن گشتا رگا

هیچ کسَم یا رنبود

جزشله فروزنده‌ی در سینه‌ام

که حقیقت بود

آدمیزاده‌ی بودیا جا نوزادی

آنکه سینه‌ام را با خنجرش می شکافت

به جستا رازی مقدس؟

من فرو افتادم

و سر فرود آمد

بی آنکه سر فرود آمد،

بی آنکه فرو افتاده باشد.

و چنین نالید:

"تسلیم شوتا زندگی را به توار زانی کنم!"

و من چنین سرودم

"مقاومت می‌کنم تا مرگ و از آن تو کرده باشم"

من برخاستم و او فروریخت

چونان لاشی می لنگر

در گنداب بی‌اسی خویش.

میرزا آقا عسکری (مانی)

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

اردوگاه شکنجه برای زنان آزاده

"شورای عالی قضایی پیش نویس لایحه ای را تنظیم کرده است تا پس از تصویب، اینگونه افراد (یعنی "بندخوابان") به اردوگاه‌ها برای بازسازی و آموزش اعزام شوند. برخلاف آنچه به عهده خودشان است و دولت در این مورد هزینه‌ای را تحمل نخواهد کرد. از این پس با وجود این قانون ما تحمل نمی‌کنیم که عسده‌های افراد هوس باز برای تضعیف خانواده، مصالح جامعه را به بازی بگیرند." (هاشمی رفسنجانی نماز جمعه تهران) ۱۲ اردیبهشت

که هرزگی و هوسبازی و ضدیت با تمدن و اخلاق معنای آزا بزرگترین خصوصیات این زاهدین ریایی است. آنچه مورد دشمنی این مرتجعین است همانا تمدن و فرهنگ و اخلاق معنایی و آزاده است. بندگان غریبی یکی از ارکان مکتب این "مکتببون" است. با بدپرستی قای رفسنجانی مگر شما با نیستید که معتقدید "هوسبازی و افساد فساد است" (ماهانامه پاسدار اسلام نشریه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - فروردین ۶۴) و "اشباع غریزه جنسی... بدیهه و اساس ضرورت اجتماعی... است" (همانجا) مگر شما نیستید که از فساد و هوسبازی و بندگان غریبی حیوانی مقام انسان را تا حد موش و خوک تنزل می‌دهید و می‌نویسید: "انسان و موش از نظر شدت غریزه جنسی بهم پیوسته نزدیکند" (پاسدار اسلام صفحه ۴۱) و می‌گویید: "در خروس پختن خط است که از افاضات انبیاست و یکی از آنها جماع بسیار است" (حلیه‌التلخیص) آقای رفسنجانی آیا شما با نیستید که بر اساس این طرز تفکر و بنظر دلیل تراشی برای توجیه این حیوانیت، زن را نه یک انسان بلکه برده‌گانه ناقص العقل و نیمه حیوانی بنا می‌نویسید و معرفتی می‌کنید می‌گویید "زن نام حیوان نیست و "همینش با اراذل فرودمانی گفت و شنودها زن نام دل مرد را بگیراند" (اصول کالی) و "هرکس اطاعت زنش کند (یعنی اگر زن برای رفتن به حمام یا عروسی اذن بطلید و مرد اجازه دهد) خدا و راه جهنم اندازد"؟ (جمع المعارف و مخزن العوارف) آیا شما با نیستید که جز تسلیم در برابر هوس مرد و طغیانی دیگر برای زن نمی‌شناسید و حکمی می‌کنید: "زن نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون برود و باید خود را برای هر لذتی که اومی خواهد تسلیم کند" (توضیح المسائل خمینی) مگر شما با نیستید که می‌گویید: "آنچه باشد مطلوب شارع مقدس است، تعدد زوجات می‌باشد. شرط برای وحدت همسر ذکر شده و فرموده است اگر چه در یکدیگر عدالت برقرار نشود، با یکدیگر اکتفا کنند ولی برای تعدد همسر شرعی ذکر نشده است...؟" (نشریه پاسدار اسلام) و "اصیغه (ترجیحا صیغه دختران ۹ ساله) را از برکات عالم اسلام... می‌دانید (علامه کاشف الغطاء)

مگر شما با نیستید که به این نیز قناعت نکرده و طرح تاسیس قاضیخانه‌های رسمی "شرعی" را می‌ریزید؟ آقایان مرتجعین "اخلاق" می‌مردم آگاه و آزاده همین ما خوب می‌دانستیم که جای واقعی شما و حیان این افکار و اعمال در اردوگاه‌ها هرگز که هوسبازی است. بربرهای حاکم با این کارنامه سنگین شان، از "خانواده" سخن می‌گویند و برای "حفاظت" از آن اردوگاه‌های کار با اعمال

بر اساس تدبیر جدید حضرات علمی اعلام و استوانه‌های اسلام، مردم ایران پس از چندی در کنار زندان‌های رسمی و غیررسمی، اردوگاه‌های جنگی - زدگان و اسرای جنگی، اردوگاه معتادین و غیره - اردوگاه‌های بزرگ دیگری را خواهند دید که رژیم برای "بازسازی و آموزش" زنان می‌سازد که فرامین داروغه‌های آیت عظام و جماعت واسید و تیغ برادران و خواهران زولیده حزب اللهی‌نواشته است. آنها را خانه‌نشین کند. چنین است یکی از آخرین تصمیمات جناح پیکاران پوسیده مغزی که مدعیانند "الگوی تازه انسانیت به بشریت تشنه عدالت در سراسر جهان" آرایه می‌کنند. (موسوی نجست وزیر ۱۲ مهر ۶۵). چنین است یکی از زندا بیری که آقایان برای "تحکیم خانواده و حفظ مصالح جامعه" اندیشیده‌اند. اینگونه نهاد بیروابطات رژیم هر چند برای بشریت معاصر شگفت‌آور و پور و نگرند است ولی مردم ما بخوبی با آنها آشنا شده‌اند. آنها دیده‌اند که خمینی و اصحابش از همان فردای جلوس بیست و هفت خلقت و ارمغانی جز افزون‌ستیم و سنت بربرها برستم سرپا به داری و کشف و اختراع انواع و اقسام قوانین و تدابیر برای تشدیدستم بر زنان نداشتند. هاشمی رفسنجانی از زبان خود و همدستانان سیاه اندیش چنین اعلام می‌کنند که گویا منظور از تاسیس این اردوگاه‌های کار با اعمال شاقه "مبارزه با هوسبازی و جلوگیری از تضعیف خانواده است" او فریاد کارانه و بی‌بشرمی فریاد برمی‌آورد که: "مسئولیت تحمل نمی‌کنیم که عده‌ای افراد هوس باز برای تضعیف خانواده، مصالح جامعه را به بازی بگیرند" نگا می‌به "کتاب معتبر"، رسالات، نماز و نشریات این آقایان، نگاهی به نحوه زندگی داروستان فاسد حاکم و کارنامه سنگین حکومتشان نشان می‌دهد

شاقه برای "بندخوابان" ترتیب می‌دهند. کسانی که زنان را به درجه حیوانات تنزل می‌دهند، هرگز نمی‌توانند از آنجا بگریزند. کانونی گرم و پر مهر بر اساس عشق و تینا ز انسانیت سخن گویند. اینان دشمن زن و دشمن خانواده هستند. اینان با ترویج فحشاء و فساد و با آتش چندمهری و صیغه با زنی، خانواده‌ها را به تلاتت می‌کشند. برای دفاع از خانواده، برای دفاع از حرمت مادران و همسران، برای دفاع از شرافت و آزادی مردم کشورمان با بدزن و مرد بدبخت دفاع از زنان میهنمان برخیزیم. ارتجاع می‌خواهد در سراسر کشور فحشاء خسته‌های "شرعی" ایجاد کند و برای سرکوب زنانی که کفن سیاه جمهوری را تحمل نمی‌کنند، اردوگاه با اعمال شاقه بسازد. باید هر چه سریعتر مردم را از این نقشه‌ها آگاه و بیدار برای مقابله با آنها بسیج نماییم *

آفریقای جنوبی: ماجراجوییهای نویدآه

دولت نژادپرست آفریقای جنوبی روز ۲۹ اردیبهشت به یک دولت ریگان و وبا زیرپا گذاشتن همه مقررات بین المللی به پایتخت‌های سکشور بوتسوانا، زیمبابوه و زامبیا حمله کرد. وعده‌ای از مردمی گناه را کشته و زخمی کرد و ویرانیهای زیادی برپا آورد. این تبهکاری رژیم نژادپرست علیه دولت‌های همسایه زمانی صورت می‌گیرد که مردم آفریقای جنوبی یک بار چرخه علیه آفریقا خسته‌اند. مسجود جنبش توده‌ای آنچنان ابعاد بی‌پایان پیدا کرده است که رژیم نژادپرست عملاً فلج شده و نمی‌تواند موضع سابق را حفظ کند. با وجود کشتارهای وسیع گمبه‌یوشان رژیم، مردم همچنان در خفا با آنها در مقابل توپ و تانک می‌ایستند و برای برابری و آزادی را سر می‌دهند: رژیم بوتسوانا که قادر به سرکوب جنبش توده‌ای و سازمانهای سیاسی آن نیست، با حمله به دفاتر کتک‌خیز ملی آفریقا در کشورهای همجوار تصمیم به انتقام جویی دارد. ولی این ماجراجویی‌ها رژیم نژادپرست را بیش از پیش در قاره آفریقا در سطح جهانی بی اعتبار و منزوی می‌سازد. یورش رژیم بوتسوانا در آفریقا "بازتاب گسترده در سطح جهان پیدا کرده است. دولت‌های مختلف و سازمانهای بین المللی از جمله سازمان وحدت آفریقا، این حمله را کتک نقش‌آشکار مقررات بین المللی است، شدیداً محکوم کردند. این یورش‌های جنوبی قارنیت که رژیم جناح پیکار آفریقای جنوبی را از سر نوشت محکوم نجات دهد.

کاندیدانها امتحان آیدئولوژیک بعمل آمد. اما علیرغم همین تشبیهات، انجام انتخابات شوراها در کارخانهای آنها با خیرحاکمیت‌ها دشواری‌های جدیدی که ناشی از مقاومت سرخاسته کارگران بود، مواجه ساخته است. کارگران در مواقعی که اداره کار صلاحیت نمایندگان واقعی آنها را رد می‌کند، فقط کاندیداتوری افسران متعلق به انجمن‌های اسلامی و یا کارگزاران مدیریت را می‌پذیرد. ضمن افشای کاندیداتوری رژیم، از شرکت در انتخابات ساختار خودداری می‌کنند. در این موارد عمال رژیم برای جلب آجباری کارگران به پای صندوق به تهدید متوسل می‌شوند، مثلاً در کارخانه‌ها بران تا بر برای وارد کردن کارگران به شرکت در انتخابات، به کارت وارد و خودخروج آنها مهر انتخابات می‌زدند. در کسود و اودتولیدی، کارگران از ورود نماینده اداره کار برای تشکیل کارخانه معانعت کرده و اعتراض خود را به قاضون شورا‌های اسلامی کسار و مداخله وزارت کار در انتخابات شوراها نشان دادند. کارگران پیرو و آگاه در چنین شرایطی نه تنها باید به افشاء ماهیت ارتجاعی این "قانون" و اعتراض به مداخله وزارت کار و سایر ارگان‌های دولتی و مدیریت در کار انتخابات بپردازند، بلکه باید سازمانگر مبارزه کارگران علیه کاندیداتوریهای حتمیلی و دفاع بیگنیرا نشان از نمایندگان واقعی خود برای ایجاد تشکل‌های مستقل صنفی باشند. شرایط پلیسی حاکم بر کشور ما همچنان سازماندهی هسته‌های مخفی کارگری را به‌شما به حلقه‌های صنفی سازماندهی و هدایت جنبش توده‌ای کارگری در دستور مبارزه کارگران پیرو و آگاه قرار داده است. بنابراین این درواحه‌های تولیدی و خدماتی که هنوز با این هسته‌ها ایجاد نشده است، با بدستام کوشش برای ایجاد دو تشکل آنها و تکامل بخشیدن بدانها بکار گرفت و از این اهرم برای ایجاد تشکل‌های مستقل و علمی کارگری استفاده نمود. شرط مقدم ضرورت مبارزه علیه تحمیل شورا‌های فرمایشی و تشبیهت موفقیت‌های بدست آمده و ایجاد تشکل‌های صنفی مستقل و توده‌ای عبارت است از ایجاد هسته‌های مخفی فعالین کارگری *

۵ - آدرس محل کار را از ۱۰ سال پیش تا کنون، ع-آدرس محل تحصیل و سال آن، ۷ - آیا تا کنون بدلیسل فعالیت سیاسی در قبال و یا بعد از انقلاب دستگیری و زندانی داشته‌اید؟ ۸ - درجه انجمن (گروه فرهنگی ادبی، سیاسی قبل و بعد از انقلاب فعالیت داشته‌اید؟ ۹ - معرفی شخصی که از طریق او به شما می‌توان دسترسی پیدا کرد. ۱۰ - آیا تا بحال در سندیکا یا اتحادیه و یا شورا‌های کارگری در قبال و بعد از انقلاب بوده‌اید؟ ۱۱ - گروهی محل کار، این پرسشنامه به پلیسی، بیم و هراس رژیم و سازمان انتخابات شدن نمایندگان واقعی کارگران و گسترش جنبش کارگری بوضوح نشان می‌دهد. هدف رژیم از این تفتیش‌ها، شناسایی کاندیداهای مورد تایید کارگران، مرعوب کردن آنها از طریق استنتاج‌های پلیسی، جلوگیری از انتخاب شدن آنها و هموار کردن راه برای تحمیل کاندیداهای فرمایشی است. این منظور اسرحدی زاده وزیر کار در درکارخانه ایران با سایرین چنین بیان کرد: "هدف از این شوراها این است که زیر پای مپدریت‌ها را بکوبند و در پیشبرد کارها به آنها کمک نمایند. ما نمی‌خواهیم شوراها برای ما مشکلی بوجود بیاورند." مدیرکل اداره کار و امور اجتماعی اراک نیز در سخنرانی اش برای کارگران، ضوابط عضویت و محدوده وظایف شورای اسلامی را چنین برشمرد: "هدف اصلی شوراها بدستمان و پیرو ولایت فقیه باشند. همچنین نماینده شورا باید مدیریت در عرصه تولید همکاری نماید. این کار در ضمن، مشورتی است، نباید در کار مدیریت دخالت شود." اداره کار در پیشبرد این سیاست فدکارگری خیلی با احتیاط و دست به‌معاز می‌رود. بطوریکه تا ۲۰ آذر ۶۴ دز تهران فقط در ۱۰ واحد انتخابات شورا‌های اسلامی را عملی کرد تا فرمت تحقیقات پلیسی کافی برای شناسایی کاندیدانها داشته باشد. در کارخانه نورد و قطعات فولادی، کاندیداتوری ۷ نفر از ۲۰ کاندیدای شورا توسط وزارت کار رد شد. علت "عدم صلاحیت" بخشی از آنها این بود که دارای سابقه مبارزه سندیکایی بودند و در مبارزات صنفی شرکت فعال می‌کردند. در کارخانه ایران با ساز همسه

انتخابات فرمایشی "شوراها" و وظایف کارگران

رژیم خمینی با وجود آنکه توانست شکل‌های صنفی کارگری را منحل و یا تضعیف کند، اما نتوانست اعتماد کارگری و مبارزات کارگران را بسزای ایجاد تشکل‌های مستقل صنفی را فروشانند. رژیم که از خواست توده کارگران مبتنی بر ایجاد دو تشکل شکل‌های مستقل کارگری، آگاه است با تبسند قانون ارتجاعی "شورا‌های اسلامی" کار را از تصویب گذراند و اینک با تصویب آیین نامه ارتجاعی شر و یکسری مقررات پلیسی تلاش می‌کند که از انتخاب نمایندگان کارگران جلوگیری کند، اکنون رژیم همه‌ارگانهای فدکارگری و مکانات پلیسی خود را بکار گرفته است تا انتخابات فرمایشی شورا‌های اسلامی کار را به شیوه‌ای کاملاً عملی کند. رژیم در هر سال از اینکه مبادا علیرغم همه تشبیهات پلیسی اش، اینکار عمل را در انتخابات از دست بدهد، طی ماههای اخیر، هر روز چندگاه دستورالعمل‌های محرمانه و فرم‌های انتخاباتی جدیدی بسزای مدیریت انجمن‌های اسلامی و احدها می‌فرستد. در آیین نامه اجرایی شورا‌های اسلامی گزار که اخیراً بصورت "اصلاح شده" رای گردید، این تغییر به چشم می‌خورد که: "در انتخابات نماینده‌های شوراها احتیاجی به انتخابات هیات ناظر نیست. همان هیات تشبیهی صلاحیت، انجام ما این وظیفه را نیز بعهده خود بگیرد." با این اصلاحیه، دست‌های تشبیهی صلاحیت برای تقلب در انتخابات کاملاً باز گذاشته می‌شود. چندی پیش در فرم‌هایی که با قید کلمه "محرمانه" به کارکنان شورا داده شد، سئوالات زیر مطرح شده است: ۱ - مشخصات، ۲ - معرفی ۲ نفر از اعضای منحل جهت نامیدگان کاندیدانها، ۳ - معرفی ۲ نفر از افراد دمو من به انقلاب اسلامی که در کارخانهای انقلابی مشغول بکارند، ۴ - محل سکونت از ابتدای تولد،